



۸ مارس روز اعتراض به بیمقوقی زن

روز آزادی و برابری،

نه به آپارتاید جنسی نه به مجاب

جمعه ها منتشر میشود



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of
Iran

۲۹ دی ۱۳۸۵ - ۱۹ ژانویه ۲۰۰۷

سر دبیر: آذر مدرسی

www.hekmatist.com

ادامه این وضعیت سناریوی نابودی است!



فواد عبداللهی

انسجام دوباره دستگاه سرکوب و حاکمیت سیاسی سرمایه برای فراهم کردن مقدمات اقتصادی و سیاسی دوره جدیدی از انباشت سرمایه دارد. اما مسئله این است که این انباشت دیگر برای رژیمی که موجودیتش چه از نظر مردمی که ۲۸ سال است به موجودیتش لعنت فرستاده اند و برای انداختنش از قدرت لحظه شماری می کنند و چه از نظر آمریکا و غرب بکلی زیر سوال رفته است.

اما دلایل آمریکا و غرب در تحریم اقتصادی هرچه باشد، دعوی و بهانه این تحریم هر چیزی باشد در یک واقعیت عظیم تغییری نمیدهد. این واقعیت که این تحریم چیزی جز فقر و فلاکت و تباهی بیشتر برای مردم به ارمغان نمی آورد. وضعیت وخیم اقتصادی بقیه در صفحه ۳

foadsjk@gmail.com

بحران اقتصادی که دامن حاکمیت اسلامی سرمایه را گرفته است امروز بیش از همیشه زمینه ساز تحمیل فقر و فلاکت به اکثریت جامعه ایران است. بیکاری و کاهش شدید سطح معیشت و انقباض سرمایه گذاری ها توسط دولت و بورژواهای "وطنی" از یک طرف و از طرف دیگر قرار دادن رژیم اسلامی در منگنه تحریم اقتصادی به بهانه مسئله هسته ای توسط آمریکا دال بر عمق دامنه بحران اقتصادی موجود است. حمله سیستماتیک به معیشت مردم و بروز فلاکت بشیوه ای افسار گسیخته، آنهم در بطن ایجاد فضای رعب و جنگ و تحریم اقتصادی، هدفی جز رسمیت بخشیدن به فقر و فلاکت ندارد.

حل این بحران نیاز به آرایش و

فاجعه بزرگتر در میزند، انتظار مهلک است!

چاره اتحاد مردم و انداختن هرچه سریعتر جمهوری اسلامی است

فاتح شیخ



fateh_sh@yahoo.com

جدید بویژه اروپا و روسیه و چین رقیبان قدرت آمریکا و در آمریکا در سطح جهان، اوضاعی ایجاد کرده است که به جمهوری اسلامی امکان به مصاف طلبیدن آمریکا در عراق را میدهد.

جایای جمهوری اسلامی در بخش گسترده ای از عراق و مشخصا در دو منطقه استراتژیک بغداد و بصره به مدد گروههای میلیشیایی نسبتا با قدرت طرفدارش، به مراتب محکمتر از آمریکاست. این روزها حتی صحبت از این میشود که جمهوری اسلامی و طرفدارانش نقشه تسلط یکجانبه بر بغداد و پاکسازی آن از مخالفان "سنی" را در دست اجرا دارند. بدون این هم "دولت عراق" عمدا در دست جمهوری اسلامی است. فشار مکرر بوش و رایس و گیتس بر مالکی نخست وزیر فعلی عراق، یک نشانه دست بالا داشتن جمهوری اسلامی در دولت عراق است. حتی اگر بوش بتواند مالکی را کنار بگذارد اوضاع برایش در

با اعزام نیروهای بیشتر به عراق پامیشلارد.

بدون سورپرایز در "استراتژی جدید" آمریکا در عراق جای ویژه ای اختصاص داده شده به اعلام اینکه مذاکره با جمهوری اسلامی در کار نیست و در عوض قرار است نیروهای آمریکایی شبکه های جمهوری اسلامی در عراق را که به دشمنانشان اسلحه و آموزش میدهند نابود کنند. این در حالی است که گزارش یک موسسه مطالعات استراتژیک در آمریکا، که پنجشنبه منتشر شد، میگوید که سال ۲۰۰۶ برای آمریکا در عراق پر از شکست و برای جمهوری اسلامی پر از پیروزی بوده است! امروز عراق آشکارتر از همیشه به عرصه مستقیم رودررویی جمهوری اسلامی و آمریکابدل شده است. علاوه بر بن بست استراتژی آمریکا در باتلاق عراق، که از مدتها پیشتر آشکار شده بود، بالاگرفتن اختلاف در آمریکا میان دموکراتها و بعضی از جمهوریخواهان با بوش بر سر اعزام نیروی بیشتر، حرکت

فاجعه در عراق هر روز فجیع تر و تراژیک تر میشود و از دل آن، فاجعه بزرگتری ایران و "خاورمیانه بزرگ" را تهدید میکند. مهیب تر از همه آنچه خاورمیانه تا کنون به خود دیده است. خطر این فاجعه جدی است و در روند مقابله با آن هرگونه سیاست انتظاری شنیدنا نامسئولانه و خطرناک است. برای جامعه و مردم ایران، در انتظار حوادث ماندن در چنین شرایطی عواقب مهلک و جبران ناپذیر در پی خواهد داشت.

ویژگی برجسته در اوضاع کنونی خاورمیانه، رودررویی جمهوری اسلامی و آمریکا بر متن بن بست استراتژی آمریکا در عراق است. ده روز پس از اعلام "استراتژی جدید" آمریکا در عراق، همه شواهد نشان میدهد که حکومت بوش همچنان بر ادامه استراتژی میلیتاریستی خود، با تغییرات جزئی در تاکتیک و دیپلماسی و در عوض

تلویزیون پرتو

هر جمعه بین ساعت ۶ و نیم تا ۷ و نیم بعد از ظهر بوقت تهران از کانال یک (شبکه هات برد) پخش میشود، تکرار برنامه ظهر روز بعد.

تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۷۳۹۹۸۶۸

parto.tv@gmail.com

صفحه ۲

صفحه ۳

صفحه ۴

اصلاح قانون کار و آنچه کارگران باید بخواهند

تکاپوهای ارتجاعی در قالبهای جدید

تشنج در میان دو بخش حزب دمکرات کردستان ایران

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



ghazvini.m@gamil.com

اصلاح قانون کار و آنچه کارگران باید

بخواهند

محمود قزوینی

فتوهای خمینی مبنی بر حرام بودن اعتصاب در روزهای پس از انقلاب و حمله چمقداران حکومت به اعتصابیون در اینجا و آنجا، اعتصاب و مبارزه کارگری مانند موجی خروشان، همه جا و در هر سوراخ و سنبه ای که کارگر حضور داشت، جریان داشت. در آن زمان قانون کاری، با نیروی طبقه کارگر اجرا میشد، که مفاد و بندهای نانوشته آن، طبقه سرمایه دار و دولتشان را به عجز واداشته بود. دولت و طبقه سرمایه دار فقط با سرکوب وسیع جنبش کارگری و مردم در سالهای شصت توانست، با خلاصی از این شر، به فکر تدوین قانون کار برای خود و به نفع خود بیفتد.

اولین پیش نویس قانون کار جمهوری اسلامی، که قانون کار توکلی بود و اساساً نفس کارگر و کلمه کارگر را زیر سوال برده بود و قرارداد کار را به بلب اجاره تغییر داده بود و هیچ گونه حقی برای کارگر در نظر گرفته نشده بود، با اعتراض وسیع کارگران روبرو شد و پس گرفته شد. پس از ده سال کشمکش، جمهوری اسلامی توانست قانون کاری را در سال ۱۳۶۹ به تصویب برساند که با عقب نشینیهای زیاد از قانون کار پیشنهادی توکلی، مزایایی در آن گنجانده شده بود که بخصوص برای کارگران در کارگاههای کوچک پراکنده که از نظر تعداد بخش اعظم کارگران ایران را در بر میگردد، مفید بوده است. قانون کاری فعلی که حاصل فشار طبقه کارگر به رژیم اسلامی است و این فشار در جدال جناحها بر سر قانون کار در آن زمان انعکاس پیدا کرده بود، پس از چند بار رفت و برگشت میان مجلس و شورای نگهبان، بالاخره به تصویب شورای تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۶۹ رسید.

قانون کاری فعلی، قانونی نبود که کارگران-دنبال آن بوده اند. این قانون کارگران را ابتدائی ترین حق خود، یعنی حق-تشکل و اعتصاب محروم کرده است و قوانینی بر علیه این حق-در آن گنجانده شده است. ماده ۱۰ و بندهای دیگر قانون کار-هم چیزی برای کارگران ندارد.

در زمان خود این قانون اهرمی برای قانونی کردن سرکوب کارگران بوده است. با این همه طبقه سرمایه دار و دولتشان هم از این قانون راضی نیست. این قانون مهر توازن قوای زمان خود را دارد، زمانی که هنوز وحشت از قدرت کارگری که در سالهای انقلاب به میدان آمده بود، در دلهای دولت و کارفرمایان انباشته شده بود.

از آن زمان تاکنون جناحهای مختلف جمهوری اسلامی مرتب در پی اصلاح قانون کار به نفع کارفرمایان و دولتشان هستند. طبقه سرمایه دار از موانعی هر چند کوچک در قانون کار که بر سر استثمار بی حد و حصر او وجود دارد ناراضی است. قبلاً خارج کردن کارگاههای زیر ۵ نفر و سپس ۱۰ نفر از پوشش قانون کار را با عطف توجه به ماده ۹۱ خود قانون کاری عملی ساختند. اما طبقه سرمایه دار به این قانع نیست، باید هرگونه مانع و رادع بر سر سودآوری را برداشت. کارگر باید به برده و رعیت تبدیل شود. قانون کار باید به قانون کاری توکلی تغییر کند و دولت احمدی نژاد مصمم است تا اراده دولت و کارفرمایان را به کرسی بنشانند. اصلاح قانون کار، همچنین برگی در دست احمدی نژاد برای کنار زدن شوراهای اسلامی است که به جناح رفسنجانی وابسته اند. بحث برانگیز ترین بخشی که تلاش برای اصلاح قانون کار بر آن متمرکز شده است مسئله ماده ۲۷ مربوط به خاتمه قرارداد کار است که کارفرمایان خواهان آنند که در اخراج کارگران هیچ مانع و رادعی بر سرشان نباشد و هر زمان اراده کردند کارگر را اخراج کنند و میخوانند مانع بسیار ضعیفی که بر سر اخراج کارگر در ماده ۲۷ آمده است تغییر کند. طرح اصلاحیه قانون کار دولت احمدی نژاد اساساً به این بند مربوط است. همچنین اصلاحیه با تبصره ای به ماده ۱۹۱ مربوط به کارگاههای زیر ۱۰ نفر، شمول خروج کارگاههای بسیار بزرگتری را از زیر پوشش قانون کار فراهم میسازد و برای اخراج گسترده و

باقیه در صفحه ۴

فاجعه بزرگتر.....

برپایه مجامع عمومی در کارخانه ها و با متحد کردن صفوف خود در محلات، و با کنار زدن و افشای هر نوع سیاست انتظار، باید سریعاً جمهوری اسلامی را با اتکا به نیروی اتحاد خود سرنگون کنند و معادله موجود خاورمیانه را به نفع خود و همه مردم منطقه و به نفع پیشروی بسوی یک صلح پایدار تغییر دهند. این کار نه تنها ممکن است بلکه تنها راه موثر مقابله با فاجعه ای است که نظیر کم دامنه تر آن را هر روز در عراق میبینیم. چاره اتحاد مردم و انداختن هر چه سریعتر جمهوری اسلامی است.

از صفحه ۳ تکپوی ارتجاعی ...

علیه منافع مردم و تلاشی برای رنگ اسلامی و قومی دادن به اعتراض مردم و رام کردن آن در خدمت ارتجاع است. اینها تاریخاً علیه مردم و در خدمت جمهوری اسلامی از هیچ تلاشی کوتاهی نکرده اند. اینها دنبال همان اهداف ضد مردمی و ارتجاعی قدیم خود در قالبهای جدیدند. اینها را به همین عنوان باید در میان مردم افشا و رسوا کرد.

به حزب

حکمتیست کمک

مالی کنید

کمکهای مالی خود را

میتوانید به شماره

حساب زیر در

انگلیس واریز کنید.

Name: A. J

Bank: NatWest

Account No:

65041283

Sort Code:

601520

اوضاع به هر سمتی برود یک مساله از زاویه منافع مردم ایران مسلم است: فاجعه در میزند و انتظار مهلک است. کارگران و مردم تشنه آزادی با

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



khaledhajji@yahoo.com

تکاپوهای ارتجاعی در قالبهای جدید

نگاهی به جبهه متد اصلاح طلبان کرد

خالد حاج محمدی

آنجا که البته این را هم در مردم در دوران خاتمی رهبر نوارانی این طیف تجربه کرده اند خواهیم گذشت و به اهداف واقعی این جماعت و تاریخ و جهت آنها اشاره ای کوتاه خواهیم کرد. اینها به قول خود خواهان سهیم شدن در قدرت هستند و سهم خود را نامتناسب میدانند که به نام سهم "اکراد" از آن اسم برده اند. و با هر نوع خشونت هم سازگاری ندارند.

این جماعت همیشه البته در قدرت سهیم بوده اند و در طول حیات جمهوری اسلامی و در دوره های مختلف با این رژیم بوده اند و اکنون نیز در همین دولت بخشی از آنها نماینده مجلس و همگی وفادار به قانون اساسی ایران میباشند. تلاش اینها تکاپوی جریانی است که سالها تحت نام اصلاح طلبی و اصلاح جمهوری اسلامی و دادن چهره مردم پسند تر از رژیم فعالیت کردند و برای جمهوری اسلامی عمر خریده اند. اینها طرفداران و شرکای رده چندم جنبش دوم خرداد هستند که دور خاتمی جمع شده بودند و در نفاق از او سر از پانمیشتناختند و سرانجام و بعد از شکست پروژه اصلاح رژیم و خاتمی، سر در گم و بی آینده در تلاش سر پناه و اهرمی برای سهم بیشتر و جاپایی در حکومت هستند. این اهرم در حال حاضر اهرم قومی و فعالیت زیر نام جبهه متحد کرد است. مسئله کرد وجود ستم ملی در کردستان، آن کثالی است که اینها هم میخواهند برای سهم خواهی از دولت مرکزی به آن آویزان شوند. تمام دموکراسی خواهی و مخالفت با خشونت این آقایان ربطی به آزادی و عدالت در جامعه و اعتراض به خشونت علیه مردم ندارد. منظور آنها از عدالت به خوبی در سخنان بها ادب که همان "توزیع عادلانه قدرت" است که هدف سهیم شدن خود به نام اکراد و نماینده کردها میباشد و نه چیزی دیگر. مبارزه مسالمت آمیز آقایان نیز تلاش برای اطمینان به رژیم است که جبهه آنها ربطی به اعتراض و اعلام تنفر مردم از جنایات رژیم ندارند. مبارزه مسالمت آمیز و مرزبندی با "خشونت" کلید رمز مخالفت آنها با اعتراضات بر حق مردم است که از جانب همینها و

اسلامی کرد است که به موقعیت کنونی خود در جمهوری اسلامی راضی نیستند. اینها نماینده احداثی در کردستان نمی باشند و هیچوقت نبوده اند. بخش زیادی از این جماعت در دوره های مختلف ریاست جمهوری رفسنجانی و خاتمه، چشم و گوش رژیم در کردستان بوده و هنوز هم هستند.

اینکه چرا در این اواخر به فکر جبهه متحد افتاده و از دموکراسی و حقوق "اکراد" سخن میگویند و از حجره و علمیه بیرون آمده و مهندس و دکتر و استاد همیگر را صدا میزنند، دلایل دیگری دارد. کل داستان این است که در چند سال گذشته ما شاهد اعتراضات زیادی در میان مردم علیه جمهوری اسلامی بوده ایم. دوران قمه کشی و قلدری و اسید پاشی به صورت زنان و عریه حزب الله به یمن مبارزات مردم تمام شده است. خطر از هم پاشیدن و به زیر کشیدن جمهوری اسلامی اکنون دیگر زیباتر خود سران رژیم است. اینها نیز در این اوضاع امیدی به حاکمیت ندارند و در فکر آینده خود بعد از جمهوری اسلامی هستند. از طرف دیگر موقعیت احزاب اصلی ناسیونالیست کرد خود چندان رضایت بخش نیست. حزب دموکرات چند شقه شده است. سیاستهای احزاب ناسیونالیستی در پرتو شکست دولت آمریکا در عراق و منطقه به عنوان نقطه امید آنها به بن بست رسیده و افق آنها تیره و تار شده است. افق جریانات قومی از هر نوع آن از سازمان زحمتکشان تا بقیه با شکست استراتژی دولت بوش در عراق و مالیده شدن کمک به فدرالیستی ها و جریانات قومی و دخالت از این طریق در ایران و حمله نظامی به ایران، به مراتب تیره و تار تر است.

نگرانی از آینده جمهوری اسلامی و خلائی که در جنبش ناسیونالیستی کرد ایجاد شده، برای این جماعت فرجه و فرصتی ایجاد کرده است که کاری کنند. مسئله حزب سازی و جبهه درست کردن و بیانیه دادن و انتقادهای نیم بند اینها به جمهوری اسلامی، بخشا از سر فرصت طلبی و ایجاد جاپایی برای آینده خود و بخشا از سر موقعیت نا مناسب ناسیونالیست کرد است. جبهه متحد کرد و اهدافی که دنبال میکنند، ربطی به مسئله مردم کارگر و زحمتکش ندارد. اینها حتی سر سوزنی به حل مسئله کرد هم مربوط نیستند. این تحرک کاملا

بقیه در صفحه ۲

ادامه این وضعیت ...

جمهوری اسلامی به اضافه فشار های اقتصادی که غرب به جمهوری اسلامی می آورد نه کمر رژیم بلکه کمر کارگران و اقشار محروم جامعه را میشکند. گرانی، بالا بودن نرخ تورم، بیکاری وسیع، کمبود گاز و نفت، جیره بندی کردن بنزین اولین عارضه های تصمیم بر تحریم اقتصادی و اعلام آن بود.

امریکا و متحدینش اگر فعلا از حمله نظامی به ایران و عراقیزه کردن ایران ناتوانند در عوض با تحریم اقتصادی و فشارهای اقتصادی به ایران زندگی میلیونها انسان را با یک چشم به هم زدن به تباهی میکشاند. امریکا سناریوی خود را تغییر نداده است بلکه به ابزار دیگری متوسل شده. تثبیت قدرتی و نظم خونین جهانی اش، تصفیه حساب با رژیم اسلامی به بهای میلیونها انسان.

این سیاست کثیف و ضد انسانی این مالخویاها و استقاده رژیم از این فرصت برای حمله به ابتدایی ترین مطالبات مردم چیزی جز تاکتیک ضدیت با اتحاد و همبستگی مردم برای غلبه بر سرنوشت خود و به زیر کشیدن رژیم کثیف اسلامی در بر ندارد. عقب نشینی تحمیلی به مردم و از هم پاشاندن روحیه متحدانه و مبارزه و مقاومت از پایین جامعه جزء تأثیرات مخرب سیاستهای آمریکا علیه مردم ایران و منطقه است.

اما این سرنوشت محتوم ما نیست! نباید دست روی دست گذاشت. ناجی در راه نیست. ما ناجیان خود و بشریت هستیم و پایان دادن به این تباهی کلر ما است!

پایان دادن به سناریوی فقر و فلاکت که معنایی جز نابودی استثمار و تحقق خواسته های اقتصادی مردم و بویژه طبقه کارگر ندارد، در گرو تشدید هر چه بیشتر مبارزه علیه جمهوری اسلامی است. در گرو اتحاد و قدرت متشکل ما، در گرو برپایی مجامع عمومی در کارخانه ها و بدست گرفتن کنترل کارخانه، کنترل محلات و ایجاد کمیته های کمونیستی به نیروی خود مردم و اعمال حاکمیت آزادانه بر سیاست و اقتصاد کشور است. پایان دادن به این تباهی در گرو شکستن فضای جنگی و روحیه مستاصل جامعه و غلبه بر آن است.

به حکمتیست ها به پیوندید!

منتی است در میان طیفی از اصلاح طلبان کرد جنب و جوشی راه افتاده است. اخیرا این طیف دومین نشست خود به نام "جبهه متحد کرد" که به قول خودشان ۲ سال از فعالیت آنها گذشته را برگزار کرده اند. از قول بها الدین ادب میزبان و اولین سخنران این نشست، آنها به دلیل پاره ای مشکلات نتوانسته اند حزب اعلام کنند، ولی جبهه ممانعتی ندارد و کسب اجازه و مجوزی برای کار کردن زیر این نام لازم نیست. نگاهی کوتاه به اهداف این جمع یا به اهداف جبهه متحد کرد و اینکه چه شده که به فکر چنین اقدامی افتاده اند، خالی از لطف نیست. بنیانگذاران و سردمداران این تلاش ترکیبی از طرفداران خاتمی و رفسنجانی در کردستانند که از بهالدین ادب و عبدالله رمضان زاده و جلال جلالی زاده تا نمایندگان کرد مجلس و تعدادی دیگر را شامل میشود.

به نقل از سخنرانی "بهالدین ادب" در مورد اهداف جبهه متحد کرد چنین آمده است: "دموکراسی خواهی یا مفهوم ایجاد، بنیان و توصیه آن در تمامی زمینه ها، عدالت طلبی، نه فقط به معنای توزیع ثروت بلکه عدالت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و توزیع عادلانه قدرت، زیرا کردها در هر قدرت جایگاه مناسبی ندارند و سرانجام توسعه متوازن، از جمله سواد در میان اکراد، سه محور فعالیت جبهه متحد است. این جبهه به قانون اساسی پایبند بوده و در چهارچوب آن فعالیت خواهد کرد و دارای فعالیت شفاف و به دور از پنهان کاری است. جبهه متحد کرد به دنبال هیچ گونه تجزیه طلبی نبوده و در قالب تمامیت ارضی ایران فعالیت خواهد کرد، زیرا معتقدیم که صاحبان اصلی این سرزمین کردها هستند. مشی ما انجام فعالیت های مسالمت آمیز و نفی خشونت است، با تمام احزاب، گروه های سیاسی و اجتماعی دیگر تعامل خواهیم داشت."

از تعارفات آقایان و کلمات "عدالت" و "دموکراسی خواهی"

تشنج در میان دو بخش حزب دمکرات کردستان ایران

بنا به اخبار منتشره، تشنج میان دو بخش حزب دمکرات کردستان، در روزهای اخیر به مرحله کشمکش حاد رسیده است. پس از جدایی در حزب دمکرات کردستان ایران و تشکیل حزب دیگر به نام حزب دمکرات کردستان - ایران به رهبری عبدالله حسن زاده، اختلاف میان این دو حزب به درگیریهای فیزیکی منجر شده است. بنا به اظهارات جلیل گلئی یکی از رهبران حزب دمکرات کردستان - ایران، خطر درگیری مسلحانه میان این دو حزب وجود دارد.

کمیته کردستان حزب حکمتیست از هر دو حزب دمکرات کردستان ایران و حزب دمکرات کردستان - ایران میخواهد که از هر گونه درگیری و اصطکاک که منجر به درگیری نظامی و اتفاقات ناگوار انسانی شود، بطور جدی و مسئولانه اجتناب کنند. رهبری دو حزب در قبال جان و امنیت کادرها و اعضا و پیشمرگانشان مسئولیت سنگینی بعهده دارند. اصول و پرنسیپهای متمدنانه حکم میکند که هر اختلافی به شیوه متمدنانه حل و فصل شود.

انشعاب میان احزاب سیاسی از چپ و راست تجارب مثبت و منفی زیادی به جا گذاشته است. جا دارد تجربه جدایی جریان ما از کومه له و حزب کمونیست ایران در سپتامبر ۱۹۹۱ را به هر دو بخش حزب دمکرات خاطر نشان و یاد آوری کنیم. رهبران و بخش عمده نیروی این دو بخش حزب دمکرات در آن تاریخ شاهد بودند، در یک حزب بزرگ و مسلح جدایی اتفاق افتاد و به یمن درایت رهبری وقت حزب و احساس مسئولیت تصمیم گیرندگان اصلی دو طرف، در جریان جدایی خون از دماغ کسی نیامد. این سفت متمدنانه و انسانی باید در رابطه با اختلافات درون احزاب و جدایی و انشعاب مورد توجه جدی قرار بگیرد.

نباید گذاشت منافع گروهی و محدودنگری سیاسی ویا به بهانه اموال و امکانات، جان و امنیت انسانها به خطر بیفتد. اختلافات سیاسی و مالی و غیره را میتوان از راههای اصولی و با رعایت موازین متمدنانه و برسمیت شناختن حقوق و حرمت انسانها حل و فصل کرد.

علیرغم اختلافات جدی و سیاسی علنا ابراز شده ما با هر دو بخش حزب دمکرات کردستان ایران، با نگرانی تشنج و درگیریهای فیزیکی اخیر میان دو حزب را تعقیب میکنیم و خاطر نشان میسازیم که هرگونه درگیری فیزیکی و نظامی و یا دست بردن به سنتهای غیرمتمدنانه و غیر سیاسی در حل اختلافات در صفوف اپوزیسیون، زجب جمهوری اسلامی مورد بهره برداری قرار میگیرد و علیه مردم از آن استفاده میکند.

از نظر ما احزاب حاکم در کردستان عراق لازمست در این رابطه به وظیفه خود عمل کنند و مانع هر اتفاقی بشوند که منجر به جنگ و کشتار و اتفاقات ناگوار انسانی در نتیجه اختلافات دو حزب مذکور بشود.

در نهایت مسئولیت تمام وکمال حل و فصل هر گونه اختلافی به شیوه سیاسی و بدون درگیری نظامی برعهده رهبران هر دو حزب است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

تماس با حزب

کوروش مدرسی **لیدر حزب**

koorosh.modarresi@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۷۴۸۶۳۰۸۳۳

خالد حاج محمدی **معاون لیدر**

khaledhaji@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۷۴۸۵۷۵۴

رحمان حسین زاده **دبیر کمیته کردستان**

husienzade_r@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

فاتح شیخ **رئیس دفتر سیاسی**

fateh_sh@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۱۷۵۱۲

عبدالله دارابی **فرمانده گارد آزادی**

darabiabe@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۵۲۱۶۳

نسان نودینیان **دبیر کمیته خارج کشور**

Nasan_nodinian@yahoo.de

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۳۸۷۲۵۱۸۵

بهرام مدرسی **دبیر کمیته کل کشور**

bahram-modarresi@freenet.de

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱

جمال کمانگر **دبیر سازمان جوانان حکمتیست**

jamalkamangar@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

دبیر خانه حزب

mail@hekmat.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۳۰۳۷۹۵۲۶

رضا کمانگر **مسئول روابط عمومی حزب**

r-hekmatist@yahoo.com

تلفن: ۰۰۵۳۸۴۰۵۶۲۹۵۴۸

از صفحه ۲ اصلاح قانون کل.

کارگر را بچابد و هیچ گونه مانعی بر سر آن نباشد.

از طبقه کارگر ساخته نیست. شوراهای اسلامی فقط برای موجودیت خود و نفع خود است که در مقابل احمدی نژاد ایستاده اند. با دستیابی به تشکل، نه تنها میتوان این تعرض سرمایه داران را عقب زد و آنها را از وارد کردن اصلاحات در قانون کل به نفع خود پشیمان ساخت، بلکه میتوان قانون کار فعلی را به دور انداخت و به قانون کاری دست یافت که کاملا منفعت کارگران را تامین کند، قانون کاری که حق بی قید و شرط تشکل و اعتصاب، ماده اساسی آن باشد. با دستیابی به تشکل توده ای که واقعا اراده طبقه کارگر را منعکس کند، کسی جرات نمیکند مزد کارگران را نپردازد و در مقابل مطالبه کارگران شانه بالا بیندازد. چاره طبقه کارگر در مقابل همه این تعرضات طبقه سرمایه دار و دولتشان، تشکل است

کارگر را بچابد و هیچ گونه مانعی بر سر آن نباشد. تنها سهمی که در این اصلاحیه قانون کار نصیب کارگر میشود، تعلق گرفتن حقوق و مزایا به کارگران قراردادی و اضافه دستمزدی به میزان ۱۰٪ برای کارگران قراردادی است، که آن هم با آوردن اینکه قرارداد باید بعد از یکماه بصورت کتبی منعقد شود، چیزی از آن نمیمانند و کارفرمایان راحت بعد از یکماه به جای انعقاد قرارداد حتی موقت کارگر را اخراج میکنند.

مسلم کارگران باید در مقابل اینگونه دست اندازیها به حقوق و سطح زندگی خود بایستند. تنها چاره کارگران متشکل شدن سریع است. راحت ترین و سر راست ترین راه تشکیل مجمع عمومی در محل کار و انتخاب نمایندگان خود برای دفاع از حق و حقوق خود میباشد. بدون تشکل و اتحاد طبقه ای هیچ کاری

دسته جمعی هم با افزودن تصوره ای به ماده ۲۱، آن را سهل تر کرده است. این همه تلاش کارفرمایان و دولت در حالی صورت میگیرد که همین حالا اکثریت کارگران تحت پوشش قانون کار نیستند و از هر گونه حقوق و مزایا مانند بیمه و مرخصی و... محرومند. بنا به گفته وزیر کار جهرمی، در حال حاضر ۱۰ تا ۱۲ درصد کارگران با قرارداد دائم کار می کنند. در حال حاضر ۵۶ درصد کارگران قراردادی موقتی هستند که با احتساب شاغلین بخش ساختمانی و حمل و نقل، این میزان به بیش از ۸۵ درصد می رسد. با این آمار روشن است که طبقه سرمایه دار ایران بدنبال کنار زدن کامل هر گونه قانونی است تا سرمایه در بازار کار هر طور خواست

سایتهای حزب و نهادهای نزدیک به حزب :

www.hekmatist.com

www.jawax.com

www.marxhekmatistsociety.com

www.iran-telegraf.com

www.oktoberr.org

www.hekmat.public-archive.net

نه قومی، نه اسلامی، زنده باد هویت انسانی!